

مطالعات حدیث از منظر آیت الله میرباقری؛

مقدمات، سیر، آفات و افق‌ها

امیر رضاقلی^۱ و مصطفی قدیم‌آبادی^۲

چکیده

ضرورت پرداختن به سیر مطالعاتی حدیث در عصر حاضر، امری مورد اتفاق و پذیرفته شده است. آیت الله میرباقری، از استادان برجسته فقه و حدیث حوزه علمیه قم، بر این باورند که مقدماتی همچون «توجه به ویژگی‌های کلام اهل بیت (علیهم‌السلام)»، «رعایت تقوای الهی تا رسیدن به مقام عباد ممتحن»، «فراگیری علوم پایه»، «عبور از مبانی و اصطلاحات علوم غیرحوزوی» و «توجه به اهداف و غایات حدیث‌خوانی» در آغاز این مسیر ضروری است. ایشان، سه مرحله «انس و کثرت تلاوت همراه با ادب حضور»، «آشنایی با متون» و «پژوهش» را در محوریت آثار حدیثی همچون الکافی، آثار شیخ صدوق و بحارالانوار به عنوان سیر مطالعاتی پیشنهادی معرفی کرده‌اند. همچنین، آسیب‌هایی همچون «سطحی‌نگری یا تعمق بی ضابطه»، «نگاه جزیره‌ای به معارف»، «غفلت از نیازهای روز جامعه مؤمنان»، «انکار سایر علوم یا حاکم‌سازی آنها بر فهم حدیث» و «عجله و شتابزدگی» را از جمله آفات این مسیر بر شمرده‌اند. آیت الله میرباقری سه افق راهبردی را برای حدیث‌پژوهی ترسیم می‌کنند: «تدوین موسوعه‌های روایی نو در مقیاس برنامه‌ریزی اجتماعی»، «اعتبارسنجی روایات با بهره‌گیری از ظرفیت‌های نوین» و «تفقه جامع در سطح اداره جامعه مؤمنان». تحقیق حاضر، بر پایه روش تحلیلی-توصیفی و با استناد به دیدگاه‌های مکتوب و شفاهی ایشان تدوین گردیده است.

واژگان کلیدی: سیر مطالعاتی، حدیث، حدیث‌خوانی، میرباقری، درایت.

۱. دانشجوی دکتری علوم و معارف نهج البلاغه دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران، (نویسنده مسئول)؛
(Jangenarm123@gmail.com)

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران؛
(Mostafamahdavi313@yahoo.com)

مقدمه

امروزه ضرورت تدوین سیر مطالعاتی بر کسی پوشیده نیست؛ چراکه چنین سیرهایی بر آن‌اند تا به مخاطبان خود نظام فکری ببخشند و آنان را، بر پایه تجارب گران‌سنگ دانشوران هر حوزه، در مسیر کسب تخصص به‌درستی پرورش دهند. مخاطبان فهیم و طالبان دانش نیز نیک می‌دانند محرومیت از تجربیات آگاهانه و سامان‌یافته استادان صاحب‌نظر، خسارتی جبران‌ناپذیر است - به‌ویژه هنگامی که موضوع این تجربیات، متون منسوب به برترین آفریدگان خداوند حکیم، یعنی معصومان علیهم‌السلام، باشد.

بر همین اساس، اهمیت پژوهش پیش‌رو نیز روشن می‌شود. هدف این تحقیق، دستیابی به سیر مطالعاتی منظم در موضوع «حدیث» و واکاوی مبانی آن است؛ سیری که آیت‌الله سید محمد مهدی میرباقری به طلاب سطوح مختلف حوزه‌های علمیه پیشنهاد کرده‌اند. ایشان، استاد درس خارج فقه، اصول و حدیث در حوزه علمیه قم، ریاست فرهنگستان علوم اسلامی را بر عهده داشته و مؤسس مدرسه معارفی درایه نیز هستند. آثار متعددی در حوزه معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام بر پایه دیدگاه‌های ایشان تدوین و منتشر شده است.

از میان این آثار، می‌توان به کتاب نهر عظیم؛ آداب و مراحل درایت در روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام اشاره کرد که مجموعه‌ای از بیانات آیت‌الله میرباقری درباره آداب، مراحل و توصیه‌های مطالعات حدیثی است. این اثر با مشارکت نگارنده مقاله و شماری از فضلاء حوزه علمیه قم گردآوری و منتشر شده است.

مقاله حاضر می‌کوشد گزارشی منسجم، موجز و کاربردی از این اثر و سایر دیدگاه‌های استاد در باب مطالعات حدیثی ارائه دهد.

پیشینه‌پژوهی در حوزه سیرهای مطالعاتی حدیث‌محور بر آثار و توصیه‌های متعددی تکیه دارد، از جمله:

مقاله «سیر مطالعه حدیث شیعه (به صورت فهرستی و نموداری)» نوشته استاد سید محمد کاظم طباطبایی و بازتنظیم رضا عطایی، منتشر شده در مجله دانش‌ها و آموزه‌های قرآن و حدیث (سال اول، شماره چهار، بهار ۱۳۹۸). این مقاله، مبتنی بر نوشتار پیشین استاد طباطبایی با عنوان «هفت وادی؛

چهل منزل» است و رویکرد آن، حرکت از «مطالعه آسان به دشوار» در مواجهه با احادیث می‌باشد.^۱ کتاب «مسیر منیر؛ سیری حجیت‌محور در مطالعات اسلامی»، تألیف نگارنده این مقاله، که مشتمل بر چندین سیر مطالعاتی اجمالی و تفصیلی در موضوعات مختلف از جمله حدیث است. رویکرد این اثر، حرکت از «اجمال به تفصیل» در بررسی متون و مفاهیم است.^۲

توصیه‌های اساتید حوزه علمیه قم مانند حجت‌الاسلام علی امینی‌نژاد که غالباً به صورت صوتی بیان شده‌اند و انعکاس مکتوب نیافته‌اند، اما در قالب رهنمودهای عملی برای طلاب مطرح شده‌اند. ویژگی ممتاز این پژوهش نسبت به آثار پیشین آن است که ابعاد مغفول‌مانده‌ای چون «پیش‌نیازهای مطالعات حدیثی»، «ضرورت مواجهه فعال با متون روایی»، «موانع انس با حدیث و حدیث‌خوانی» و «افق‌های مطالعاتی و پژوهشی در حوزه حدیث» را مورد توجه قرار می‌دهد، ابعادی که در آثار پیشین کمتر به آن‌ها پرداخته شده و در دیدگاه‌های آیت‌الله سید محمد مهدی میرباقری به روشنی قابل پی‌گیری است. البته آثار گذشته نیز در جای خود ارزشمند و دارای نقاط قوت ویژه‌اند. در ادامه، چهار محور اصلی زیر مبنای تحلیل و تبیین دیدگاه‌های استاد میرباقری خواهند بود: پیش‌نیازهای مطالعات حدیثی، سیر مطالعات حدیثی، آفات مسیر مطالعات حدیثی و افق‌های مطالعات حدیثی.

الف. پیش‌نیازهای مطالعات حدیثی

پیش از ورود به مطالعات حدیثی، شایسته است برخی نکات را به‌عنوان «پیش‌نیاز» مورد توجه قرار داد و سپس به مطالعه متون روایی پرداخت.

۱. توجه به ویژگی‌های کلام اهل بیت علیهم‌السلام

احادیث اهل بیت علیهم‌السلام بیانگر علم و معرفت ایشان‌اند؛ از این‌رو، کسی که خواهان بهره‌مندی از علوم آنان است، باید حتی به‌صورت اجمال، با گستره و ژرفای دانش ایشان آشنا باشد. از منظر استاد میرباقری، علوم اهل بیت علیهم‌السلام الهی بوده و مستقیماً از جانب خداوند به ایشان افاضه شده است.^۳ ویژگی‌هایی مانند اعلمیت معصومان بر تمامی مخلوقات،^۴ احاطه کامل بر حقایق آشکار و نهان

۱. سیر مطالعات حدیث شیعه، ص ۱-۲.

۲. مسیر منیر، ص ۳۱-۳۳؛ ص ۴۴-۵۵.

۳. برای نمونه: الکافی، ج ۱، ص ۲۲۲، ح ۶؛ ص ۲۳۰، ح ۱ و ح ۲.

۴. برای نمونه: بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۲۲۹؛ الکافی، ج ۱، ص ۲۶۰، ح ۱.

قرآن کریم،^۱ مصونیت علم ایشان از خطا و انحراف،^۲ و نورانیت ظاهری و باطنی کلامشان،^۳ از جمله خصوصیات اساسی ای است که نباید در مسیر حدیث خوانی مورد غفلت واقع شود.

غفلت از عظمت کلام معصومان (علیهم السلام) موجب کم بهرگی از معارف آنان و بی توجهی به ژرفای فهم و درایت در روایات خواهد بود.^۴ یکی از آداب مهم که به مثابه کلید فهم صحیح احادیث به شمار می آید، آن است که انسان هنگام روی آوری به کلام امام، با تمام وجود خود را به ایشان بسپارد و قصد کند در کنار کلمات معصوم، سیر معرفتی نماید.

استاد میرباقری بر این باورند که هر قدر انسان بکوشد، فهم حقیقی از کلام اهل بیت (علیهم السلام) تنها در سایه عنایت و عطای ایشان حاصل می شود.^۵ در حالی که مؤلفان دیگر متون دینی از دنیا رفته اند، امام معصوم (علیهم السلام) بر احادیث خود مشرف است و توان تصرف و افاضه معنا در جان مخاطب را دارد.^۶

۲. رعایت تقوای الهی تا وصول به مقام «عباد ممتحن»

از منظر استاد میرباقری، نباید چنین پنداشت که انسان می تواند به راحتی از چشمه جوشان علوم اهل بیت (علیهم السلام) بهره مند شود و سیراب گردد؛ بلکه این بهره مندی، مستلزم رعایت تقوای الهی و گذر موفقیت آمیز از آزمون های الهی است تا انسان به مقام «عباد ممتحن» نائل آید؛ مقامی که در آن تحمّل علوم اهل بیت (علیهم السلام) در مراتب والا، نصیب فرد می گردد.^۷

تعبیر «عباد ممتحن» برگرفته از دسته ای از روایات است که حاملان ولایت و علوم اهل بیت (علیهم السلام) را در سه طبقه توصیف می نماید: دسته نخست، مقربان از فرشتگان؛ دسته دوم، رسولان در میان پیامبران؛ دسته سوم، مؤمنانی که در آزمون های الهی سربلند بیرون آمده اند.^۸

۱. برای نمونه: الکافی، ج ۱، ص ۶۱، ح ۸؛ ص ۲۲۸، «باب أنه لم یجمع القرآن کله إلا الأئمة (علیهم السلام) و أنهم یعلمون علمه کله»؛ بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۴۲۹، «باب آتاه (علیهم السلام) الذی عنده علم الكتاب».

۲. برای نمونه: الکافی، ج ۱، ص ۱۸۴، ح ۹.

۳. برای نمونه: من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۶ (فراز «کلامکم نور»).

۴. ر.ک: نهر عظیم، ص ۳۰-۱۳؛ ۱۲۱-۱۲۰.

۵. ر.ک: نهر عظیم، ص ۱۸۳-۱۸۲.

۶. ر.ک: همان، ص ۱۸۴.

۷. ر.ک: همان، ص ۲۹-۲۷؛ ۵۱-۳۲؛ ۱۰۹-۱۰۵.

۸. ر.ک: بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۲۰، «باب فی أئمة آل محمد (علیهم السلام) حدیثهم صعب مستصعب»؛ ص ۲۶، «باب فی

أئمة آل محمد (علیهم السلام) أن أمرهم صعب مستصعب».

بدیهی است که مؤمنان غیر معصوم در گروه اول و دوم جای نمی‌گیرند؛ از این رو، تنها راه شرافت‌مندانه دستیابی به علوم اهل بیت علیهم‌السلام، قرار گرفتن در طبقه سوم، یعنی مؤمنان آزموده است. این سه دسته توان حمل «امر» و علوم اهل بیت علیهم‌السلام، که به تعبیر روایات «صعب مستعصب» است، را دارند.

استاد میرباقری به روشنی هشدار می‌دهند که انتظار دریافت و درک علوم الهی اهل بیت علیهم‌السلام بدون آمادگی لازم، طمع‌ی خام و ناپخته است. از دیدگاه ایشان، عبودیت مقدمه دستیابی به علم است؛ و تنها با قرار گرفتن در مسیر عبودیت و بندگی است که انسان شایسته دریافت این علوم گران‌قدر خواهد شد.^۱

۳. فراگیری علوم مقدماتی

از دیدگاه استاد میرباقری، برخورداری از سطح متعادلی از دانش‌هایی مانند ادبیات عرب، علم لغت و فقه‌اللغة، اصول فقه، روش تفقه و دیگر مبانی اولیه، برای ورود به مسیر مطالعات حدیثی ضروری است؛ به گونه‌ای که انسان در مواجهه ابتدایی با تعارضات ظاهری برخی احادیث، توانایی حل آن‌ها را داشته و بتواند میان ادله مختلف، رابطه‌ای علمی برقرار کند.

این علوم باید به تدریج ارتقا یابند تا طالب علم به «فهم تخصصی از ادله» نائل گردد. از منظر ایشان، در آغاز راه، نیازی به تسلط کامل بر همه این تخصص‌ها نیست؛ بلکه کافی است طلبه با روش اجتهاد آشنا شود، و درک کند که فقیه برای استنباط احکام، از چه ابزارها، روش‌های تحقیقی، و منابعی بهره می‌برد و چگونه از آن‌ها استفاده می‌کند. این آشنایی، خود زمینه‌ساز فهم معنای تخصصی از ادله خواهد بود.

استاد میرباقری تأکید دارند که فهم کلمات معصومان علیهم‌السلام باید از جنس فهم تخصصی باشد؛ زیرا فهم غیرتخصصی از روایات، نه معتبر است و نه حجت.^۲

۴. عبور از حجاب اصطلاحات و مبانی علوم دیگر

از منظر آیت‌الله میرباقری، گرچه دانش‌هایی چون فلسفه، کلام و عرفان، بخشی از حافظه تاریخی تشیع بوده و مانند بنایی مستحکم، جایگاهی پایدار در میراث علمی دارند، اما فاقد برخی

۱. ر.ک: نهر عظیم، ص ۳۶؛ بیانات در تاریخ ۱۴۰۲/۰۵/۱ در هیئت ثارالله قم؛ بیانات در تاریخ ۱۴۰۰/۰۴/۱۷ در مراسم سالگرد رحلت آیت الله رزاقی.

۲. ر.ک: نهر عظیم، ص ۳۱-۳۲؛ بیانات در تاریخ ۱۳۹۶/۰۵/۱۷ در اردوگاه وسف قم. برای دریافت‌های بیشتر ر.ک: جلسه شصت و پنجم خارج فلسفه اصول (ایراد شده در تاریخ ۱۴۰۱/۱۱/۰۴).

کارآمدی‌ها هستند. زیرا به صورت طبیعی، سطح معرفت دینی حاصل از این علوم در دوره‌های گذشته، برای پاسخ‌گویی به نیازهای معرفتی نسل‌های بعد کافی نیست و باید در مسیر دین‌داری اجتماعی، سطح معرفت دینی ارتقا یابد.

یکی از خلاهای اصلی در آموزش و پژوهش دینی، به شیوه مواجهه با معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) بازمی‌گردد. معمولاً این مواجهه با تکیه بر دانش‌های دیگر و از منظر اصطلاحات آن‌ها صورت می‌گیرد که به عنوان «ادبیات واسطه» برای فهم روایات تلقی می‌شود. گرچه این شیوه ممکن است در مواردی یا برای برخی طبقات جامعه مفید باشد، اما در حوزه‌های علمیه و برای طالبان علم، رجوع مستقیم و بی‌واسطه به منابع حدیثی، آن هم با آمادگی پیشینی، ضروری است.

چنین رجوع مستقیمی باعث می‌شود طلاب، بدون تأثر از پیش‌فرض‌ها و چارچوب‌های دانش‌های دیگر، بهره‌ای عمیق‌تر از سخنان اهل بیت (علیهم‌السلام) ببرند.^۱ بسیاری از بزرگان عرصه فلسفه، عرفان و کلام نیز خود با رجوع مستقیم به احادیث، از آن‌ها توشه برگرفته‌اند.

این نکته در خصوص فهم قرآن کریم نیز صدق می‌کند. علامه طباطبایی در مقدمه تفسیر شریف المیزان تصریح می‌کنند که ادبیات فلاسفه، متکلمان و متصوفه نباید واسطه فهم قرآن قرار گیرد؛ چراکه این روش منجر به تحمیل دستاوردهای مفهومی آن علوم بر آیات الهی خواهد شد و شأن هدایت مستقل قرآن را مخدوش می‌سازد. ایشان نمونه‌هایی از این نوع تحمیل را ذکر کرده و تأکید می‌کنند که زبان قرآن مستقل از اصطلاحات سایر علوم است و باید در مقیاس خود قرآن، آن را فهم کرد؛ نه آن‌که علوم دیگر را حجاب فهم آن ساخت.^۲

استاد میرباقری نیز تأکید می‌ورزند که مبانی و اصطلاحات علوم دیگر، نباید موجب تصرف در مفاهیم روایات یا تحمیل معنا بر مفاد آن‌ها شوند. استنباط قاعده‌مند از ادله دینی - که خود پیوستاری معرفتی به‌شمار می‌آیند - باید خارج از سیطره چارچوب‌های مفهومی علوم دیگر تحقق یابد.^۳

البته معنای این سخن آن نیست که انسان از رجوع به استاد بی‌نیاز است؛ بلکه دریافت معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) از طریق استاد امری طبیعی و بایسته است. اما این نوع وساطت، با وساطت مفهومی

۱. ر.ک: نهر عظیم، ص ۸۸-۸۶؛ نیز: همان، ص ۱۷۹-۱۷۸. برای دریافت‌های بیشتر ر.ک: جلسه شصتم خارج

فلسفه اصول (ایراد شده در تاریخ ۱۳/۱۰/۱۴۰۱).

۲. ر.ک: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴-۱۱.

۳. ر.ک: نهر عظیم، ص ۱۴۹-۱۴۸.

علوم اصطلاحی مانند فلسفه، کلام و عرفان تفاوت بنیادین دارد.^۱

۵. توجه به اهداف و مقاصد حدیث خوانی

از منظر استاد میرباقری، توجه به اهداف و مقاصد حدیث خوانی از جمله مقدمات ضروری ورود به این مسیر است؛ زیرا بر اساس همین اهداف، افق تلاش انسان و گستره مسیر پیش رو تعیین می شود و امکان طی طریق علمی و معرفتی فراهم می گردد.

ایشان بر این باورند که حدیث خوانی در ذات خود، هدف نهایی نیست؛ بلکه نخستین مقصد آن، درایت و فهم روایات و بنیان گذاری نظام فکری بر اساس معارف اهل بیت علیهم السلام است.^۲ در احادیث نقل شده، روشن است که درایت و معرفت نسبت به روایات، انسان را به ژرف ترین مراتب ایمان می رساند.^۳ چنان که در حدیثی از امام صادق علیه السلام، به نقل از امام باقر علیه السلام، آمده است که منزلت شیعیان به میزان معرفت آنان نسبت به روایات وابسته است، و ارزش انسان نیز در گرو شناخت و معرفت او قرار دارد.^۴

از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام، فقیه ترین انسان کسی است که به اعماق کلام ایشان راه یافته و آن را تلقی و تفهم کند.^۵ به همین جهت، حدیثی که مؤمن در آن درایت یابد، برتر از هزار حدیثی است که تنها نقل شود.^۶ استاد میرباقری این نکته را چنین تبیین می کنند که سرچشمه ایمان در علم امام و سخن معصوم نهفته است؛^۷ و هر کس به سرچشمه این علم دست یابد، حقیقت قرآن و درجات ایمان را ادراک کرده و در پی آن، به حیات طیبه، روح و نور نائل می شود.^۸

از جمله اهداف بلند مطالعه معارف اهل بیت علیهم السلام، سیر و سلوک معرفتی و تربیتی با ایشان است.

۱. ر.ک: همان، ص ۱۰۳.

۲. ر.ک: همان، ص ۱۱۸.

۳. ر.ک: همان، ص ۸۹-۹۹.

۴. معانی الأخبار، ص ۱، ح ۲.

۵. همان، ص ۱، ح ۱؛ ص ۲، ح ۳.

۶. همان، ص ۲، ح ۳.

۷. ایشان از مجموعه ای از آیات و روایات چنین استفاده ای می کنند. برای نمونه می توان به شانزدهمین آیه از سوره مبارکه جن و روایات ذیل آن مراجعه نمود. ر.ک: الکافی، ج ۱، ص ۲۲۰، ح ۱؛ ص ۴۱۹، ح ۳۹؛ تأویل الآیات الظاهرة، ص ۷۰۳.

۸. ر.ک: نهر عظیم، ص ۱۰۲-۱۰۰.

انس با روایات و حدیث خوانی، بستری برای تهذیب نفس و رشد معنوی انسان فراهم می‌آورد؛^۱ و تحقق این اهداف، نیازمند آراستگی به صفات اخلاقی خاصی است. پرهیز از مرء، مباحات، جدال، خصومت، استعلا و فخر فروشی به سبب برخورداری از علوم اهل بیت علیهم‌السلام، از جمله صفاتی است که طلبه باید از آن‌ها برحذر باشد.

نکته مهم دیگر آن است که علوم اهل بیت علیهم‌السلام، رزقی الهی است که باید در مواضع شایسته خود انفاق گردد.^۲ مطابق تفسیر آیه شریفه «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِنْ أَمْرِهِمْ يُنْفِقُونَ»،^۳ عبارت «مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ» به «مِمَّا عَلَّمْنَاهُمْ يَتُوبُونَ» معنا شده است؛ یعنی نشر علوم عطاشده به مؤمنان از سوی اهل بیت علیهم‌السلام.^۴

استاد میرباقری یکی دیگر از اهداف بنیادین حدیث خوانی را «احیای امر امام در جامعه» معرفی می‌کنند؛ امری که تحقق آن مستلزم تدبیر اجتماعی، تربیت نسل و طراحی نظام تربیتی است. از نگاه ایشان، مطالعه ژرف روایات می‌تواند زمینه‌ساز برنامه‌ریزی برای جامعه‌سازی بر اساس هدایت امام باشد.^۵

ب. سیر مطالعات حدیثی

از دیدگاه استاد میرباقری، پس از پشت‌سر گذاشتن مقدمات، در آستانه ورود به مطالعات حدیثی، می‌توان سه مرحله «انس»، «آشنایی» و «پژوهش» را برای بهره‌مندی تخصصی از معارف اهل بیت علیهم‌السلام تصور کرد. در هر سطح از مطالعه معارف، پابندی به الزامات همان سطح ضروری است؛ برای مثال، در مرحله ابتدایی، اجتهاد در فهم روایات نه لازم است و نه برای طالب علم مقدور.^۶

۱. ر.ک: همان، ص ۱۵۶-۱۵۵.

۲. ر.ک: همان، ص ۴۰؛ ۱۱۳؛ ۱۱۸-۱۱۷.

۳. البقرة: ۳.

۴. معانی الأخبار، ص ۲۳، ح ۲؛ تفسیر القمی، ج ۱، ص ۳۰ (در برخی نسخه‌های معانی الأخبار و تفسیر قمی، به جای عبارت «یُتُوبُونَ» عبارت «یُتُوبُونَ» آمده اما مختار علامه مجلسی در هر دو موضعی که این روایت را نقل فرموده، عبارت «یُتُوبُونَ» است. ر.ک: بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۷، ح ۳۸؛ ج ۸۹، ص ۳۷۵، ح ۳).

۵. ر.ک: نهر عظیم، ص ۱۵۸-۱۵۶.

۶. ر.ک: همان، ص ۱۷۳-۱۷۲.

مرحله نخست: انس

۱. ترسیم کلان مرحله «انس»

در این مرحله، استاد میرباقری بر کثرت تلاوت روایات همراه با توجه، تفخیم، تعظیم، ادب حضور و توسل تأکید دارند. اثر این انس، مشابه اثر انس با قرآن کریم است؛ به گونه‌ای که جهت‌گیری روحی انسان را اصلاح کرده و تصویر کلی‌ای از منظومه روایات را در ذهن او ترسیم می‌کند.

همان‌طور که انس با فلسفه تدریجاً ذهن را فلسفی می‌کند و مفاهیم خاصی در ذهن شکل می‌گیرد، انس با روایات نیز با کثرت تلاوت، فضایی معرفتی و معنوی در ذهن انسان ایجاد می‌کند؛ فضایی که شعاعی از نور معارف را به قلب و قوای ادراکی انسان می‌رساند و مواجهه او با موضوعات دیگر، در این چارچوب جدید از فهم شکل می‌گیرد.

از آنجا که یکی از روش‌های بنیادین در درک روایات، «تفسیر روایت به روایت» است^۱ و منظومه معرفتی احادیث خود مفسر یکدیگرند، گام نخست آن است که انسان با این منظومه مأنوس گردد. انس با روایت، تعلق خاطر به آن، تواضع و خشوع در برابر کلام معصوم، به‌ویژه همراه با باور به وجود گنجینه‌های عظیم معرفتی در این سرچشمه زلال، دروازه ورود به فهم حقیقی معارف اهل بیت علیهم‌السلام خواهد بود.^۲

در نگاه استاد میرباقری، این مرحله باعث «گرده‌ریزی» مفاهیم در ذهن می‌شود و تصویری کلی از معارف در صفحه قلب و قوای شناختی انسان نقش می‌بندد.^۳ گرچه ممکن است فهم اولیه از کلام معصوم علیهم‌السلام در این مرحله صرفاً از طریق ترجمه صورت گیرد و بر پایه ادراک زبانی از متن عربی باشد، همین سطح ابتدایی می‌تواند آغازگر سیر معرفتی باشد.

برخی این مرحله را با عنوان «انبوه‌خوانی» توصیف کرده‌اند، اما استاد میرباقری این تعبیر را دقیق نمی‌دانند؛ زیرا فاقد انعکاس روح ادب حضور، تواضع و خضوع در مواجهه با روایات است، که

۱. مرحوم آیت الله محمدی ری شهری - از محدّثان نامدار معاصر - نیز به این سخن سخت معتقد بودند. ایشان در پیشگفتار نخستین چاپ «میزان الحکمة» نوشته‌اند: «نکته دومی که در خلال مطالعات و تحقیقاتم، توجه مرا به خود جلب کرد این است که احادیث اهل بیت علیهم‌السلام نیز مانند آیات قرآن کریم مفسر برخی دیگر است؛ از این رو، کسی که به احادیث اسلامی احاطه کامل داشته باشد می‌تواند آنها را به وسیله یکدیگر تفسیر کند.» میزان الحکمة، ج ۱، ص ۱۱.

۲. ر.ک: نهر عظیم، ص ۱۲۰-۱۱۹.

۳. همان.

اساس انس حقیقی را تشکیل می‌دهد.^۱

۲. پیشبرد مرحله «انس»

از منظر استاد میرباقری، در این مرحله باید متون روایی از حیث سطوح معارف دسته‌بندی شوند. بر این اساس، انس و کثرت تلاوت روایات بهتر است از معتبرترین و اصیل‌ترین منابع آغاز گردد؛ به‌گونه‌ای که در اعتبار کتاب، مؤلف یا اسناد آن، خلل چشمگیری وجود نداشته باشد. بر پایه این معیار، مطالعه را باید با آثار برجسته‌ای همچون الکافی، آثار شیخ صدوق، بصائر الدرجات، و سپس منابع کهن و مشهور نظیر «کامل الزیارات» و «نهج البلاغه» آغاز کرد.^۲

از آن‌رو که دو بخش «اصول» و «روضة» از کتاب الکافی عمدتاً به مباحث اعتقادی، معرفتی و اخلاقی اختصاص دارند، مناسب‌تر است که ابتدا «اصول»، سپس «روضة»، و پس از آن «فروع» مورد مطالعه قرار گیرد. نکته‌ای که استاد میرباقری بر آن تأکید دارند، آن است که قرائت الکافی باید به‌صورت کامل و مکرر صورت پذیرد تا معارف آن در جان انسان نقش بندد.^۳ ایشان معتقدند الکافی نه تنها از اعتبار بالایی برخوردار است، بلکه در کلیه موضوعات روایی اجمالی را در خود دارد و از عمق و جامعیت قابل توجهی بهره‌مند است.^۴

استاد میرباقری پیشنهاد می‌کنند مطالعه الکافی از «کتاب الحجة» آغاز شود؛ زیرا شروع از «کتاب العقل والجهل» ممکن است به دلیل دشواری فهم مطالب، تصور ناصوابی چون هم‌سنگ انگاشتن عقل بشر و مقام معصوم در ذهن ایجاد کند. پس از «کتاب الحجة»، سایر بخش‌های «اصول کافی» از جمله «کتاب العقل والجهل»، «کتاب التوحید» و «کتاب الایمان والکفر» قابل پیگیری است.

پس از مطالعه کامل و مکرر الکافی و منابع پیش‌گفته، در حوزه ادعیه، مطالعه آثار ارزشمندی چون إقبال الأعمال سید بن طاووس، عدة الداعی ابن فهد حلّی، و حتی مفاتیح الجنان اثر محدّث

۱. همان، ص ۱۲۵.

۲. همان، ص ۱۲۴؛ ۱۳۳-۱۳۲.

۳. عالمان امامیه در این گزاره که «الکافی، والاشان‌ترین، نیکوترین و معتبرترین متن حدیثی منسوب به معصومان علیهم‌السلام است»، اتفاق دارند. (برای نمونه ر.ک: تصحیح الاعتقاد، ص ۷۰؛ رسائل الشهد الثانی، ج ۲، ص ۱۱۴۵؛ الوافی، ج ۱، ص ۵؛ مرآة العقول، ج ۱، ص ۳؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۱۹۰؛ ج ۱۰۵، ص ۶۳؛ شناخت‌نامه الکافی، ص) بر این اساس ضروری می‌نماید جامع‌ترین و معتبرترین متن حدیثی را که صدور احادیث آن، چندان محلّ مناقشه نیست، محور مطالعات روایی و انس با آنها قرار داد.

۴. ر.ک: نهر عظیم، ص ۱۲۹.

قمی توصیه شده است. در حوزه روایات تفسیری نیز پس از دستیابی به دورنمایی از ترجمه قرآن، مناسب است سه اثر برجسته البرهان فی تفسیر القرآن از سید هاشم بحرانی، نورالثقلین از عروسی حویزی، و الصافی از فیض کاشانی به صورت مکمل مورد بررسی قرار گیرند. البته پیش مطالعه کامل تفسیر قرآن، پیش نیاز مطالعه روایات تفسیری نیست؛ ولی آشنایی کلی با ترجمه و فضای عمومی آیات ضروری است.^۱

در این مرحله که «کثرت تلاوت همراه با ادب حضور» محور فعالیت است، استاد میرباقری دو اقدام جانبی را نیز توصیه می کنند: نخست، «کتاب شناسی»^۲ برای شناخت ویژگی ها و اعتبار منابع، و دوم، «رجال و سند شناسی» در سطح اجمالی. در کتاب شناسی باید به تفاوت اعتبار منابع حتی از یک مؤلف توجه داشت؛ برای نمونه، اعتبار عیون أخبار الرضا علیه السلام و علل الشرائع از شیخ صدوق یکسان نیست. همچنین توجه به طرق معتبر انتقال کتب حدیثی تا دوران حاضر اهمیت دارد. بررسی طبقات، رجال و درایه نیز در این مرحله قابل پیگیری است؛ اما بهتر است مبانی اعتبارسنجی روایات در مرحله دوم مطالعات حدیثی اتخاذ شود.^۳

در نگاه استاد میرباقری، در پایان این مرحله، گرچه هنوز به مرتبه اجتهادی نرسیده ایم، اما انسان به درکی اجمالی از منظومه معرفتی روایات نائل می شود. از این رو، سیر مطالعات حدیثی باید از «اجمال به تفصیل» باشد. ایشان تصریح می فرمایند که برای شناخت منظومه معارف اهل بیت علیهم السلام، نیازی نیست از همان آغاز به دایرة المعارف هایی چون بحار الأنوار مراجعه کرد؛ بلکه مطالعه یک متن متقن و اجمالی، که کلیات آن معرفت را در بر دارد، می تواند نقطه شروع مناسبی باشد.^۴

مرحله دوم: آشنایی

۱. ترسیم کلان مرحله «آشنایی»

مرحله دوم که از منظر استاد میرباقری «آشنایی» نامیده شده، بر محور مطالعه دایرة المعارف حدیثی بحار الأنوار استوار است. ایشان معتقدند جز روایات کتب اربعه که به دلیل تواتر نسخه ها و

۱. ر.ک: همان، ص ۱۳۳-۱۳۲؛ ۱۹۱.

۲. ایشان، در این زمینه، مطالعه دقیق مقدمه علامه مجلسی در کتاب شناسی بحار الأنوار را توصیه نموده اما آن را کافی ندانسته و معتقد به تحقیقات دیگری نیز هستند. ر.ک: بیانات در بهار ۱۳۹۳ در سومین جلسه با جمع دانش پژوهان مؤسسه علمی-فرهنگی عصر گذار.

۳. ر.ک: همان، ص ۱۲۷-۱۲۶؛ ۱۹۱.

۴. ر.ک: همان، ص ۱۲۸؛ بیانات در بهار ۱۳۹۳ در دومین جلسه با جمع دانش پژوهان مؤسسه علمی-فرهنگی عصر گذار.

عدم نگرانی از زوال آن‌ها کمتر در بحار نقل شده‌اند،^۱ بخش عمده‌ای از روایات موجود در اختیار ما، در این اثر گران‌سنگ با چینش و تبویب خاص گرد آمده‌اند. از این رو، مطالعه بحار الأنوار موجب آشنایی جامع و منظومه‌وار با کلّ روایات خواهد شد.

در نگاه استاد میرباقری، علامه مجلسی کوشیده‌اند ضمن تبویب و تنظیم منسجم روایات، به اندازه ضرورت آن‌ها را معنا کنند و تعارضات احتمالی میان روایات هر باب را برطرف سازند؛ به گونه‌ای که ذهن مخاطب در برخورد با احادیث، پالایش یافته و قابلیت فهم اجمالی از مجموعه روایات فراهم گردد، بدون آن‌که احساس تناقض یا پراکندگی در مطالب شکل گیرد. نتیجه این تلاش، فراهم آمدن زمینه‌ای برای نگرش کل‌نگر و منظم به مجموعه روایات و تأمل در نظم درونی آن‌هاست.^۲

۲. پیشبرد مرحله «آشنایی»

مرحله آشنایی، در نگاه استاد میرباقری، نیازمند مقدماتی است که تحت عنوان «مقدمات بحارخوانی» شناخته می‌شوند. ایشان دو اقدام بنیادین را در این زمینه ضروری می‌دانند: مطالعه دقیق فهرست کلی بحار الأنوار این فهرست که در سه جلد مستقل گردآوری شده، باید پیش از شروع خوانش متن اصلی، به صورت درخت‌وار مطالعه گردد. چنین بررسی‌ای، فضای کلی کتاب را روشن می‌سازد، امکان جست‌وجوی روایات را فراهم می‌کند و آشنایی ابتدایی با ساختار موضوعی، سرفصل‌ها و گستره عظیم معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) را در ذهن طلبه نقش می‌زند. رجوع به کتاب سفینه البحار محدّث قمی این اثر، به منزله فهرست موضوعی اجمالی بحار الأنوار شناخته می‌شود. ترتیب الفبایی‌ای که مؤلف برای آن در نظر گرفته، بهره‌برداری از کتاب را تسهیل کرده و به عنوان ابزاری مؤثر برای شناخت سریع موضوعات روایی، بسیار کاربردی خواهد بود.^۳

پس از این دو مرحله، خوانش بحار الأنوار آغاز می‌شود. در این مرحله، هدف اصلی، فهم ابتدایی و منظومه‌وار از روایات است؛ نه الزاماً دستیابی به ژرفای معانی. طلبه باید تلاش کند تا درک علامه مجلسی - به عنوان محدّثی آگاه به مجموعه معارف - از روایات را دریابد و فهم خود را با نحوه جمع‌بندی ایشان میان احادیث هر باب هماهنگ سازد.

۱. علامه مجلسی به این مطلب، تصریح دارند: «ثم اعلم أنا إنما تركنا إيراد أخبار بعض الكتب المتواترة في كتابنا هذا كالكتب الأربعة لكونها متواترة مضبوطة لعله لا يجوز السعي في نسخها وتركها». ر.ک: بحار الأنوار، ج ۱، ص ۴۸.

۲. ر.ک: نهر عظیم، ص ۱۳۷-۱۳۴.

۳. همان، ص ۱۳۷.

مطالعه بحار الأنوار نیز الزاماً نباید بر اساس ترتیب فعلی آغاز گردد. استاد میرباقری پیشنهاد می‌کنند موضوعاتی متنوع از بخش‌های مختلف کتاب انتخاب شود و خوانش آن در روزهای هفته توزیع گردد تا هم ملالت بار نباشد و هم موجب انس جامع‌تر گردد.^۱ با این حال، تأکید می‌کنند که در نهایت باید تمام بخش‌های کتاب مطالعه شود. در دور دوم خوانش، امکان عرضه روایات به یکدیگر، مقایسه معانی و دستیابی به فهم جامع از منظومه معرفتی کتاب فراهم می‌شود. در همین دور دوم، بررسی روایات در منابع اصلی آنها نیز توصیه می‌شود تا طلبه با فضای روایات در منابع اصیل آشنا شود.

همزمان با مطالعه بحار الأنوار، آشنایی با مصادر کتاب نیز امری ضروری است. استاد میرباقری پیشنهاد می‌کنند که طلاب در این مرحله، مصادر روایات را از جهات زیر بشناسند: نوع و ماهیت منبع، موضوعات و ابواب مورد بحث، ارزش و اعتبار کتاب، زمان تألیف و دوره تاریخی آن، نسخه‌های موجود از منبع.

همچنین در این مرحله باید دانش‌های پیرا حدیثی مانند رجال و درایه به صورت جدی پیگیری شود. طلبه در این مقطع نه تنها می‌تواند، بلکه باید، مسیر اتخاذ مبنا در اعتبارسنجی و تحلیل سندی روایات را آغاز کند.^۲

مرحله سوم: پژوهش

۱. ترسیم کلان مرحله «پژوهش»

از نگاه آیت الله میرباقری، اگر کسی تمامی روایات رسیده از اهل بیت علیهم‌السلام را با رعایت ادب حضور و با استمرار کثرت انس مطالعه کند، مسیر «اجمال به تفصیل» را تا حد قابل توجهی پیموده و به تفهّم اولیه‌ای از منظومه روایات نائل آمده است. در این صورت، نوبت به مرحله سوم، یعنی «پژوهش و تحقیق» فرامی‌رسد.^۳

مرحله پژوهش، مرحله‌ای است که کار در آن با «شاقول و تراز» پیش می‌رود تا از انحراف فکری جلوگیری شود. در مراحل پیشین، ذهن انسان آکنده از مفاهیم احتمالی و گمانه‌هایی در فهم روایات می‌شود. اما در مرحله تحقیق، ضروری است: بین معارف متقن و معارف محتمل تمایز برقرار شود؛ احتمالات مختلف در فهم موضوعات عرضه شده و سنجیده شوند؛ درجه ترجیح هر احتمال

۱. همان، ص ۱۴۰؛ بیانات در بهار ۱۳۹۳ در سومین جلسه با جمع دانش‌پژوهان مؤسسه علمی-فرهنگی عصر گذار.

۲. ر.ک: نهر عظیم، ص ۱۴۰-۱۳۹.

۳. ر.ک: همان، ص ۱۴۷-۱۴۶.

مشخص شود و پردازش علمی نسبت به آن صورت گیرد.

از این رو، دو مرحله «انس» و «آشنایی»، زمینه ساز ورود به عرصه پژوهش اند. با این حال، باید توجه داشت که «کثرت تلاوت» و «ادب حضور» که در مراحل پیشین مطرح بودند، نباید مقطعی تلقی شوند؛ بلکه این دو اصل، تا پایان عمر طالب علم باید استمرار داشته باشند. همان گونه که انس با قرآن کریم محدود به زمان خاصی نیست، انس با کلام اهل بیت علیهم السلام نیز باید پیوسته و همیشگی باشد.^۱

۲. پیشبرد مرحله پژوهش

از منظر فقیه نام برده، در مرحله سوم یعنی «پژوهش»، ضروری است ابتدا موضوع، روش، سطح و دامنه تحقیق مشخص شود و بر اساس آن، ورود به عرصه کاوش علمی صورت گیرد. این عرصه به اندازه ای گسترده است که ممکن است سطح تحقیق از ظاهر احادیث فراتر رود و تا استنباط از بطون روایات یا حتی استنباط نظام های معرفتی پیش رود؛ هر یک از این سطوح نیز، روش شناسی و دامنه خاص خود را می طلبد.

نباید بدین گونه باشد که پژوهشگر پس از عبور از مراحل قبلی، دچار سردرگمی شود و ندانسته وارد میدان پژوهش گردد؛ بلکه هم در مرحله «آشنایی» و هم در مرحله «تحقیق» باید مطالعات بر اساس برنامه ریزی هدفمند و معطوف به نتیجه دنبال شود.^۲

یکی از نکات مهمی که به زعم استاد میرباقری می تواند بر غنای این مرحله بیفزاید، آن است که پژوهشگر بتواند بر پایه خود روایات، به یک تنظیم موضوعی دست یابد. به عبارت دیگر، محقق باید کوشا باشد تا بر اساس خود روایات و با توجه به شرایط اجتماعی، منطق موضوع بندی، یا ساختار منابع، موضوع پژوهش را انتخاب کند و سپس با تعیین دقیق دامنه، سطح و عمق تحقیق، تلاش نماید از دل روایات، مفاهیم و روابط را استنتاج کرده و به تنظیمی منسجم از مباحث دست یابد.^۳

از دیدگاه استاد میرباقری، استمرار «کثرت تلاوت» و «انس» با روایات تا مرحله پژوهش و پس از آن، نه تنها لازم بلکه حیاتی است؛ زیرا همین انس، پیش فرض ها و پیش داوری های معرفتی انسان را به تدریج با مدالیل روایات اصلاح می کند و ذهن را برای گمانه زنی علمی و استخراج از منابع آماده می سازد.

۱. ر.ک: همان، ص ۱۷۴-۱۷۳.

۲. ر.ک: همان، ص ۱۸۹.

۳. ر.ک: همان، ص ۱۴۷-۱۴۶.

نهایتاً دستاورد تلاش علمی در این مرحله باید آن باشد که فهم پژوهشگر، مستند به ادله و منطبق بر روایات، به شکلی قاعده‌مند و قابل ارائه عرضه شود.^۱

ج. آفات مسیر مطالعات حدیثی

استاد میرباقری معتقدند در مسیر حدیث‌خوانی و بهره‌مندی از معارف اهل بیت (علیهم‌السلام)، نباید از آفات و موانعی که فراروی انسان قرار دارد، غفلت ورزید. ایشان به صورت اجمالی، پنج آفت مهم را در این زمینه تبیین کرده‌اند.

۱. سطحی‌نگری یا تعمق بی ضابطه

یکی از نگرش‌های رایج، به زعم استاد میرباقری، آن است که رویکرد به معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) باید رویکردی ساده و غیرتحلیلی باشد؛ به گونه‌ای که در مطالعه روایات صرفاً به عبارات بسنده شده و از تدقیق و تحلیل جدی آن‌ها پرهیز شود. باورمندان به این دیدگاه معتقدند هرگونه تحلیل، خارج از چارچوب خود روایات بوده و در نهایت نیز فهم جامعی از آن‌ها به دست نخواهد آمد. گرچه اصل این سخن که نباید افکار و چارچوب‌های ذهنی خود را بر روایات تحمیل کرد، صحیح است؛ اما از نگاه استاد میرباقری، بی‌ضابطه‌گی در تعمق یا اکتفا به انبوه‌خوانی محض منجر به نوعی «اخباری‌گری» خواهد شد. اخباری‌گری در این معنا آن است که انسان باب تفقه و عرضه روایات به یکدیگر، تطبیق آن‌ها با قرآن کریم، و حتی امکان جمع میان مسلمات عقلی و نصوص روایی را نادیده بگیرد.^۲

۲. نگاه جزیره‌ای

از دیدگاه استاد میرباقری، دومین آسیب مهم در مسیر حدیث‌خوانی، «نگاه جزیره‌ای» به روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) و تصور گسست معنایی میان آنهاست؛ به گونه‌ای که گمان شود تفاوت موضوعی میان احادیث، مانع از ارتباط و تلازم میان آنهاست و برای فهم هر روایت، نیازی به مراجعه به سایر موضوعات نیست. در حالی که روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) منظومه‌ای معرفتی به هم پیوسته را شکل می‌دهند که فهم هر بخش آن، وابسته به فهم حوزه‌های دیگر است. از همین رو، در فرآیند استنباط، باید نسبت به کل ساختار معرفتی روایات آگاهی داشت تا برداشت از ادله، به صورت شبکه‌ای، منسجم و دقیق محقق گردد.^۳

۱. ر.ک: همان، ص ۱۸۴.

۲. ر.ک: نهر عظیم، ص ۱۵۱-۱۴۷؛ بیانات در بهار ۱۳۹۳ در سومین جلسه با جمع دانش‌پژوهان مؤسسه علمی-فرهنگی عصر گذار.

۳. ر.ک: همان، ص ۱۵۲-۱۵۱.

۳. غفلت از نیازهای روز جامعه مؤمنان

استاد میرباقری بر این باورند که روایات اهل بیت علیهم السلام ناظر بر تمامی ادوار تاریخی بشر و نیازهای گوناگون مؤمنان در هر عصر و زمان اند. با گذر زمان، ارتکازها و سطح فهم جامعه شیعه نیز رشد یافته و متکامل تر شده است؛ به گونه ای که برخی معارفی که در گذشته در زمره علوم خواص شمرده می شد، امروزه جزو فهم عمومی قرار گرفته اند.^۱

از این رو، نمی توان به سطوح برداشت های رایج در گذشته بسنده کرد؛ بلکه باید در لایه های عمیق تر و ژرف تری از ادله تأمل نمود. به ویژه آن که هرچه نیازهای جامعه مؤمنان پیچیده تر و گسترده تر شود، فهم روایات نیز باید در تراز بالاتری صورت گیرد.

استاد میرباقری تأکید دارند که تراز استنباط از احادیث باید متناسب با رشد فرهنگی جامعه مؤمنان و ظرفیت واقعی نیازهای آنان تنظیم شود.^۲ غفلت از این امر، از جمله آفات جدی در حدیث پژوهی و بهره برداری از معارف اهل بیت علیهم السلام خواهد بود.

۴. انکار دانش های دیگر یا حاکم ساختن آن ها بر فهم روایات

گرچه پیش تر گذشت که از دیدگاه استاد میرباقری، نباید علوم دیگر به عنوان محور تحلیل و فهم روایات قرار گیرند، اما انکار مطلق آن ها نیز از آفات مسیر حدیث خوانی به شمار می آید. اینکه برخی گمان می برند رویکرد ایشان در حدیث پژوهی بدین معناست که معارف روایی باید جایگزین تمامی دانش های دیگر شوند، تلقی نادرستی است؛ همان گونه که تصور برخی درباره اسلامی سازی علوم - یعنی تبدیل همه علوم به صورت نقلی و حدیث محور - نیز برداشتی ناصواب است.

در تعامل با علوم دیگر، نقطه مطلوب آن است که این علوم در جایگاه «تبعی» نسبت به معارف اهل بیت علیهم السلام تعریف شوند؛ یعنی در پرتو معارف روایی، اصلاح و پالایش گردند. بر این اساس، گرایش به روایات نه به معنای انحصار معرفت در حوزه نقل است، بلکه مراد، قرار دادن علوم در جایگاه تبعی و تابع نسبت به معارف اهل بیت علیهم السلام می باشد.^۳

۱. در همین زمینه، علامه مامقانی معتقدند: «آن الرمی بالغلو فی کلمات الأوائل لا یعتنی به، لما مرّ فی الفوائد و الأثناء مراراً من أنّ القدماء كانوا یرمون بالغلو بمجرّد القول بمنقبة للأئمة (علیهم السلام) هی الآن من الضروریات عند أهل المذهب، كما لا یخفی علی الخبیر بأحوالهم.» تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۲۲، ص ۱۳۶.

۲. ر.ک: نهر عظیم، ص ۱۵۳-۱۵۲.

۳. ر.ک: نهر عظیم، ص ۱۵۵-۱۵۴؛ بیانات در بهار ۱۳۹۳ در سومین جلسه با جمع دانش پژوهان مؤسسه علمی - فرهنگی عصر گذار.

۵. عجله و شتابزدگی

در باور استاد میرباقری، گاه انسان با انگیزه‌ای سرشار و اشتیاقی فراوان در پی معارف روایی روانه می‌شود؛ اما به سبب شتابزدگی در عمل، گرفتار خستگی و دل‌زدگی می‌گردد. از نگاه ایشان، مطالعه روایات، مسیری بلندمدت و تاریخی است که باید در همراهی با معصومان علیهم‌السلام و تا رسیدن به مقام «عباد ممتحن» - حاملان حقیقی علوم اهل بیت - با تأمل و تدرّج پیموده شود.

منظومه معارف اهل بیت، شبکه‌ای ژرف‌ساخت و چندلایه است که فهم آن نیازمند عبور از مراحل گوناگون و طرحی کلان و هدفمند است. از جمله آفات جدی در این مسیر، تسرّع و شتابزدگی در خوانش و فهم روایات است. گرچه معصومان علیهم‌السلام مقتید به قواعد ظاهری نیستند و می‌توانند در یک تصرّف ولایی، علوم را به انسان اعطا کنند، اما در این مسیر موانعی از سوی متعلّمان و طالبان علوم اهل بیت وجود دارد که رفع آن‌ها ضروری است.^۱

بنابراین، حدیث‌خوانی باید با صبر، تأتّی، و در قالب یک طرح گسترده و تدریجی دنبال گردد؛ به گونه‌ای که شور و اشتیاق در طلب، با بصیرت و پایداری در مسیر همراه شود.

د. افق‌های مطالعات حدیثی

از منظر استاد میرباقری، علوم و معارف اهل بیت علیهم‌السلام آن گونه که شایسته است، در جایگاه واقعی خود قرار نگرفته‌اند. در افق مطالعات حدیثی، باید توجه داشت که تلاش انسان باید معطوف به سه جهت اساسی باشد: «زدودن تقصیرها و کوتاهی‌ها در مسیر فهم و عمل»، «برنامه‌ریزی برای تربیت فرد و جامعه بر پایه معارف الهی»، و «مقابله با انحرافات که دشمنان در طول تاریخ ایجاد کرده‌اند».

در طول تاریخ، اقدامات مهمی در گردآوری معارف اهل بیت علیهم‌السلام، تفکیک آن‌ها از آموزه‌های غیرمستند، و تألیف مجامع روایی صورت گرفته است. همچنین، در اعتبارسنجی روایات، پژوهش‌های قابل توجهی انجام شده و مکاتب متعددی پدید آمده‌اند. در زمینه استنباط و فهم ادلّه نیز، به‌ویژه در حوزه فقه، تلاش‌های علمی درخور توجهی سامان یافته است.

با این حال، به نظر می‌رسد در هر سه عرصه یادشده، نیاز به افق‌گشایی‌های نوین و بازنگری‌هایی مبتنی بر مبانی معرفتی اهل بیت علیهم‌السلام در مقیاس‌های دیگر وجود دارد. از این‌رو، شایسته است که مطالعات حدیثی، در نقطه فرجامین خود، ظهور و بروز علمی و عملی خود را در همین سه زمینه به‌صورت جدی و روشمند نشان دهند.

۱. ر.ک: همان، ص ۱۸۹-۱۸۴.

۱. تدوین موسوعه‌های روایی نو در مقیاس برنامه‌ریزی اجتماعی

از دیدگاه استاد میرباقری، نیاز به تدوین موسوعه‌های روایی نو، به‌ویژه در حوزه‌های معارف و اخلاق، امری محسوس و ضروری است؛ چراکه در عصر انقلاب اسلامی، تفقه در مقیاس حکومت و برنامه‌ریزی اجتماعی به یکی از مطالبات بنیادین و نیازهای حیاتی تبدیل شده است.

با توجه به اینکه پس از قرآن کریم، گسترده‌ترین و فراگیرترین منبع معرفت دینی، روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام هستند - و بخش عظیمی از فهم قرآن نیز از رهگذر همین روایات حاصل می‌شود - لازم است مجموعه‌هایی جامع با رویکرد فقه اداره و مدیریت اجتماعی تألیف شوند. این موسوعه‌ها باید به گونه‌ای طراحی گردند که زمینه‌ساز تفقه در عرصه‌های اجتماعی، تربیتی و حکمرانی باشند.

از سوی دیگر، ضرورت دارد مجامعی پدید آیند که سامان‌دهی به نظام اعتقادی و بازآفرینی نگرش انسان به هستی را هدف قرار دهند. بلکه فراتر از آن، باید مجموعه‌ای از باورهای انسان را در قالبی منسجم به یکدیگر مرتبط سازند و دستگاه فکری‌ای منبعث از آموزه‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام طراحی کنند که بتواند پاسخ‌گوی نیازهای امروز جامعه مؤمنان و تمدن‌ساز باشد.^۱

۲. اعتبارسنجی جامع روایات مبتنی بر ظرفیت‌های نو

استاد میرباقری بر این باورند که اعتبارسنجی‌های گذشته عمدتاً ناظر به حوزه فقه بوده و متناسب با ظرفیت‌های علمی و ابزاری همان دوران صورت گرفته‌اند. در شرایط کنونی، امکانات نوینی در اختیار داریم که با بهره‌گیری از آن‌ها می‌توان سطح اتقان اعتبارسنجی را ارتقا بخشید. برای مثال، در عصر حاضر، برای اثبات یا ردّ انتساب یک نوشتار تازه‌افته به نویسنده‌اش، محتوا و سیاق آن نوشته در کنار محتوای سایر آثار وی قرار داده می‌شود؛ سپس با تحلیل ساختار بیانی و شناسایی بافتار گفتار نویسنده، می‌توان به قرائنی دست یافت که نسبت یا عدم نسبت آن نوشتار را به نحو دقیق‌تری مشخص کند.^۲

۳. تفقه جامع در مقیاس اداره جامعه مؤمنان

آیت‌الله میرباقری بر این باورند که در حوزه دلالت، با وجود اقدامات ارزشمند در عرصه‌های فقه، کلام، اخلاق و حتی حکمت، هنوز در بخش‌های کلام، اخلاق و حکمت، در مراحل ابتدایی قرار داریم. در حوزه فقه نیز هنوز استنباط‌هایی در مقیاس «فقه اداره» و «فقه حکومت» تحقق نیافته‌اند. بخش قابل توجهی از فعالیت‌های حدیثی امروز، معطوف به پاسخ‌گویی به نیازهایی نیستند که در

۱. ر.ک: همان، ص ۱۶۱-۱۶۰؛ بیانات در تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۷ در اردوگاه وسف قم.

۲. ر.ک: همان، ص ۱۶۱؛ بیانات در تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۷ در اردوگاه وسف قم.



سطح اداره جامعه، نیازمند استخراج قاعده‌مند از ادله شرعی‌اند. به نظر می‌رسد نه روایت‌خوانی با هدف تربیت نفس و جامعه‌سازی شکل گرفته، و نه موسوعه‌های روایی به منظوری چون تنظیم منظومه معارفی اهل بیت (علیهم‌السلام) در مقیاس اداره جامعه تدوین شده‌اند.

با اینکه برخی تلاش‌ها از سوی اشخاص و مؤسسات در این راستا صورت پذیرفته است، این اقدامات همچنان با نقایصی روبه‌رو هستند که نیازمند تکمیل و گسترش‌اند.

از این رو، به تعبیر استاد میرباقری، وظیفه‌ای که بر دوش داریم و افقی که می‌توان برای آن ترسیم کرد، تلاش در جهت پاسخ‌گویی به تمامی نیازهایی است که دین اسلام، توان و حقانیت پاسخ‌دهی به آن‌ها را داراست؛ نیازهایی که ما آن‌ها را متوقع می‌دانیم و باور داریم که دین باید و می‌تواند برایشان راه‌حل ارائه کند.^۱

نتیجه‌گیری

۱. مطالعات حدیثی نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، فراهم آوردن مقدمات لازم، تعیین مسیر مطالعاتی منسجم، پرهیز از آفات رایج در حدیث‌خوانی، و توجه جدی به افق‌های تمدنی پیش‌رو است.
۲. آیت‌الله میرباقری - از اساتید برجسته فقه، اصول و حدیث - معتقدند که مقدمات مطالعات حدیثی شامل مواردی چون: توجه عمیق به ویژگی‌های بیانی اهل بیت (علیهم‌السلام)، رعایت تقوای الهی تا رسیدن به مقام «عباد ممتحن»، فراگیری علوم مقدماتی، عبور از حجاب مفاهیم و اصطلاحات علوم دیگر، و تبیین اهداف و مقاصد والای حدیث‌خوانی است.
۳. ایشان ضمن تأکید بر ضرورت سیر مطالعات حدیثی، سه مرحله برای خوانش و پژوهش در حدیث ترسیم می‌کنند: «مرحله انس»، «مرحله آشنایی» و «مرحله پژوهش».
۴. مرحله نخست، یعنی «انس»، به مطالعه مستمر و دقیق معتبرترین متون حدیثی امامیه اختصاص دارد؛ از جمله: «الکافی» اثر ثقة الاسلام کلینی، آثار شیخ صدوق، «بصائر الدرجات»، «نهج البلاغه» و «کامل الزیارات». ایشان توصیه می‌کنند کتاب «الکافی» با ترتیب اصول، روضه و فروع، به‌طور کامل و مکرر، با رعایت ادب حضور و ابتهال دائم به ساحت اهل بیت (علیهم‌السلام)، مطالعه گردد. در زمینه دعا، انس با «إقبال الأعمال» و «عدة الداعی»، و در حوزه تفسیر روایی، مطالعه هم‌زمان و هماهنگ «البرهان»، «نور الثقلین» و «الصفی» ضروری دانسته شده است. همچنین، در این مرحله، «کتاب‌شناسی»، «رجال»، و «سندشناسی» در سطح ابتدایی و به قدر کفایت توصیه می‌شود.

۱. ر.ک: همان، ص ۱۶۶-۱۶۲؛ بیانات در تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۷ در اردوگاه وسف قم.

۵. «مرحله آشنایی» شامل مطالعه دقیق موسوعه «بحارالأنوار»، همراه با فهم نظام‌مند بیانات و جمع‌بندی‌های علامه مجلسی از احادیث هر باب، و توجه خاص به «سفینه البحار» اثر محدث قمی و مراجعه به آن است. ایشان مطالعه کامل سه جلدی فهرست بحارالأنوار را پیش‌نیاز ورود به این مرحله دانسته و شناخت منابع بحار از حیث نوع، موضوع، تبویب و اعتبار، و همچنین تعیین مبنای اعتبارسنجی را از بایسته‌های این مرحله به‌شمار می‌آورند.
۶. مرحله سوم، یعنی «پژوهش»، به تحقیق در ظواهر و بواطن روایات، جمع‌بندی محتوایی آن‌ها، و عرضه احادیث به یکدیگر اختصاص دارد. در این مرحله، لازم است سطح، روش، دامنه و موضوع تحقیق مشخص گردد و در پاسخ به پرسش‌های موجود، به‌طور مستقیم به ادله روایی مراجعه شود.
۷. استاد میرباقری طلاب و علاقه‌مندان به مطالعات حدیثی را نسبت به آفات مهمی هشدار می‌دهند؛ از جمله: سطحی‌نگری یا تعمق بی‌ضابطه در روایات، نگرش جزیره‌ای به معارف اهل بیت (علیهم‌السلام)، غفلت از نیازهای روز جامعه مؤمنان، انکار علوم دیگر یا سلطه دادن آن‌ها بر فهم حدیث، و شتاب‌زدگی در مسیر مطالعاتی.
۸. از منظر ایشان، افق‌های مطالعات حدیثی در سه محور اصلی قابل‌تصورند: «تنظیم روایات»، «اعتبارسنجی روایات»، و «کشف دلالت‌ها». ایشان سه افق ویژه را برجسته می‌دانند: ۱) تدوین موسوعه‌های نوین روایی متناسب با نیازهای اجتماعی و مدیریتی، ۲) اعتبارسنجی روایات با بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی روز، و ۳) دستیابی به تفقه جامع در مقیاس اداره جامعه مؤمنان.

فهرست منابع

۱. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، محمدباقر بن محمدتقی مجلسی؛ تصحیح: لجنة من العلماء و المحققين؛ بيروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد عليه السلام، محمد بن حسن صفار قمی؛ قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۳. تأویل الآيات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، علی استرآبادی؛ قم: دفتر نشر اسلامی، ۱۴۰۹ق.
۴. تصحيح الاعتقاد، محمد بن محمد مفید؛ قم: المؤتمر العالمی لألفية الشيخ المفید، ۱۳۷۱ش.
۵. تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی؛ تحقیق: سید طیب موسوی جزائری؛ قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.
۶. تنقيح المقال فی علم الرجال، عبدالله مامقانی؛ قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، ۱۳۸۹ش.
۷. رسائل الشهيد الثاني، زين الدين بن علي عاملی؛ تحقیق: رضا مختاری؛ قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۲۱ق.
۸. سیر مطالعه حدیث شیعه (به صورت فهرستی و نموداری)، سید محمدکاظم طباطبایی و رضا عطایی؛ در دانش ها و آموزه های قرآن و حدیث، شماره ۴، بهار ۱۳۹۸ش.
۹. شناخت نامه الکافی، سید محمدکاظم طباطبایی و امیر رضاقلی؛ قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ش.
۱۰. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی؛ تصحیح: علی اکبر غفاری؛ چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۱۱. مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محمدباقر بن محمدتقی مجلسی؛ تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۶۳ش.
۱۲. مسیر منیر (سیری حجیت محور در مطالعات اسلامی)، امیر رضاقلی؛ تهران: نشر رزا، ۱۳۹۸ش.
۱۳. معانی الأخبار، محمد بن علی ابن بابویه قمی؛ تصحیح: علی اکبر غفاری؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ق.

۱۴. من لا يحضره الفقيه، محمد بن علی ابن بابویه قمی؛ تصحیح: علی اکبر غفاری؛ قم: دفتر نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
۱۵. میزان الحکمة، محمد محمدی ری شهری؛ تحقیق: پژوهشکده علوم و معارف حدیث؛ قم: دارالحدیث، چاپ یازدهم، ۱۳۹۴ش.
۱۶. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمدحسین طباطبائی؛ قم: دفتر نشر اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۱۷. نهر عظیم، سید محمد مهدی میرباقری؛ تنظیم: امیر رضاقلی و دیگران؛ قم: نشر تمدن نوین اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۱ش.